



University of Tehran Press

Comparative Law Review

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-3404

Volume: 16, Issue: 1
Spring & Summer
2025

Comparative Study of the Sights of Family-centered Response to Juvenile Delinquency in the Iranian and Scottish Legal Systems

Mohammad Yekrangi¹ | Parimehr Rafifar²

1. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law & Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: Yekrangi@ut.ac.ir
2. Corresponding Author, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law & Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: p.rafifar@ut.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	Family, as the first society a person encounters from the beginning of life, plays a fundamental role in shaping people's behavior and personality. This important principle, which has also been proven in psychology, has drawn attention to the role of the family in children's delinquency in many legal systems. As a result, the mentioned institution plays an important role and may be said to be one of the main actors in the criminal justice process, including sentencing. However, this issue has not been seriously considered in Iranian criminal law, in which the target of punishment and reaction is still delinquent juveniles, and the family is considered a "secondary actor" and is placed on the sidelines. This article has a comparative approach and seeks to compare the Iranian and the Scottish juvenile justice systems in this field. The reason for selecting the Scottish system is that it has a similar model of juvenile justice to Iran in terms of responding to juvenile delinquency. Therefore, the article scrutinizes these two legal systems and clarifies the role of the family and the type of responsibility of this institution, based on juvenile justice models. It finally concludes that the lack of some measures such as "parenting contracts" and "parenting orders," which are specifically directed at the parents and guardians of delinquent children, is noticeably felt in Iranian criminal law. The Iranian legal system has the potential to adopt such instruments in accordance with its principles.
Received: 2024/06/19	
Received in revised form: 2024/10/13	
Accepted: 2024/10/24	
Published online: 2025/06/22	How To Cite Yekrangi, Mohammad; Rafifar, Parimehr (2025). Comparative Study of the Sights of Family-centered Response to Juvenile Delinquency in the Iranian and Scottish Legal Systems. <i>Comparative Law Review</i> , 16 (1), 199-219. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2024.378284.634648
Keywords: <i>Delinquent Juvenile, Parental Responsibility, Parenting order, Rehabilitation, Welfare Model.</i>	
DOI 10.22059/jcl.2024.378284.634648	
Publisher The University of Tehran Press	



مطالعه تطبیقی جلوه‌های پاسخ‌دهی خانواده‌محور در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان در نظام حقوقی ایران و اسکاتلند

محمد یکرنگی^۱ | پری مهر رفیع‌فر^۲

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: Yekrangi@ut.ac.ir
 ۲. نویسنده مسئول؛ گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: p.rafiifar@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۳ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ کلیدواژه‌ها: اصلاح و تربیت، الگوی رفاه، کودک بزهکار، قرار فرزندپروری، مسئولیت والدینی.	خانواده به‌عنوان نخستین اجتماعی که انسان از ابتدای حیات خود درون آن پا می‌گذارد، نقشی بنیادین در شکل‌گیری رفتار و شخصیت افراد دارد. این اصل مهم اثبات‌شده در روان‌شناسی، سبب شده است تا نقش خانواده در بزهکاری کودکان مورد توجه نظام‌های حقوقی متعددی قرار گیرد و نهاد یادشده به‌عنوان یک «بازیگر اصلی» در تعیین ضمانت اجرا و اعمال آن نقش مؤثری ایفا نماید. با این حال، این مهم در حقوق ایران مورد التفات جدی قرار نگرفته است؛ به این نحو که مخاطب حقوق کیفری همچنان کودک بزهکار است و خانواده به‌عنوان «بازیگری فرعی» مد نظر نظام تقنینی بوده و در حاشیه قرار گرفته است. نگرانگان پژوهش حاضر درصددند با رویکرد تطبیقی-تحلیلی به مطالعه نظام حقوقی اسکاتلند از آن جهت که دارای الگوی مقابله‌ای مشابه با ایران در زمینه پاسخ‌دهی به اطفال و نوجوانان است، پرداخته، کوشش می‌کنند با واکاوی این دو نظام حقوقی بر مبنای الگوهای عدالت اطفال و نوجوانان، نقش خانواده در پاسخ‌دهی به کودکان بزهکار و جایگاه و نوع مسئولیت این نهاد را تبیین نمایند. در مقاله حاضر سرانجام نتیجه‌گیری شده است که خلأ سازوکارهایی نظیر «قراردادهای مرتبط با فرزندپروری» و «قرار فرزندپروری» در کشور اسکاتلند که مخاطب آن اولیا و سرپرستان کودک هستند، در قوانین ایران احساس شده است و نظام حقوقی ایران ظرفیت پذیرش چنین سازوکارهایی را با توجه به اصول حاکم بر خود دارد.
استناد	یکرنگی، محمد؛ رفیع‌فر، پری‌مهر (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی جلوه‌های پاسخ‌دهی خانواده‌محور در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان در نظام حقوقی ایران و اسکاتلند. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i>، ۱۶ (۱)، ۱۹۹-۲۱۹. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2024.378284.634648
DOI	10.22059/jcl.2024.378284.634648
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

انسان بنابه نظر برخی اندیشمندان، چون ارسطو، از نظر ذاتی موجودی مدنی است. او در اجتماع متولد شده، زیست نموده و سراسر زندگانی او با جامعه عجین بوده است. از نخستین زمانی که شخص پا به این کره خاکی می‌گذارد، در اجتماع خانواده و در کنار والدین قرار می‌گیرد؛ از این رو، خانواده نخستین جامعه و ناگزیرترین آن برای هر شخص است. این جامعه کوچک چندنفره، تأثیرات مانا و پایا بر شخصیت کودک می‌گذارد؛ به نحوی که از حرکات فیزیکی تا رفتارهای فردی و اجتماعی، همگی در این اجتماع ریشه دارند و برخی همچون فروید^۱، ریشه تمامی رفتارهای فرد را در دوران کودکی جست‌وجو می‌کنند. در این برهه، کودک آموزش می‌بیند و راه درست زیستن را می‌آموزد؛ لیکن عوامل متعددی نیز می‌توانند سبب لغزش و گرایش وی به سمت ارتکاب جرم گردند که در این میان، نقش کلیدی خانواده در استقرار و تداوم بزهکاری کودکان و یا توقف و پیشگیری از آن، انکارناپذیر است.

یکی از مواضعی که خانواده نقشی خطیری در آن دارد، زمانی است که طفل یا نوجوان مرتکب جرم شده و فرایند دادرسی و پاسخ‌دهی رسمی به آن آغاز شده است. همکاری این نهاد اولیه با دستگاه‌های متولی بررسی بزهکاری طفل و نوجوان در جریان رسیدگی و تأثیرگذاری مثبت آن در واکنش‌های تعیینی برای این قشر، در اکثر نظام‌های حقوقی امری شناخته شده است. از این رو، تغییراتی که در دهه‌های اخیر در نظام‌های عدالت کیفری اطفال و نوجوانان در ابعاد مختلف رخ داده است، تنها بر «میزان و دامنه مسئولیت کودک بزهکار» تأثیر نداشته، بلکه بر «مسئولیت والدین در قبال رفتار مجرمانه فرزندان» نیز مؤثر بوده است که از این حیث، معرفی و گسترش احکام و قرارهای مرتبط با فرزندپروری در بسیاری از کشورها، نمونه‌ای از حرکت به سمت افزایش مسئولیت والدینی^۲ در حوزه عدالت کیفری اطفال و نوجوانان است (Hollingsworth, 2007: 191). اگرچه مسئولیت والدین در قبال اعمال و رفتار کودک خود از دیرباز در برخی از کشورهای جهان از جمله کشور ایران وجود داشته و اغلب ناظر به مسئولیت‌های مالی بوده است (مانند ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی)، لیکن به مرور زمان، سطوحی از مسئولیت‌های غیرمالی نیز در کشورهای مختلف پدید آمد که در آغاز محدود به الزام والدین جهت همراهی فرزند خود در مراجع قضایی رسیدگی کننده بوده و به تدریج، سازوکارهای دیگری نیز نظیر «قرارهای فرزندپروری»^۳ جهت تمرکز بر والد و اصلاح چگونگی رفتار وی با کودک ایجاد شده‌اند (Hollingsworth, 2007: 191-193).

در قوانین ایران، از زمان آغاز سبک مدرن قانون‌گذاری در سال ۱۳۰۴^۴ و پس از آن به‌طور خاص در

1. Sigmund Freud

2. Parental Responsibility

3. Parenting order

۴. بر اساس ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، در صورتی که مرتکب جرم طفل ممیز غیربالغ باشد، یکی از

قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸^۱، به نقش خانواده در واکنش‌های تعیینی برای اطفال و نوجوانان توجه نشان داده شده و در قوانین پس از انقلاب نیز به‌طور کلی تربیت طفل بزهکار برعهده سرپرست اطفال بوده است^۲؛ لیکن در قوانین یادشده کم و کیف، نحوه تربیت، مدت و شیوه نظارت بر طفل مشخص نشده و بما یراه الحاکم قرار داده شده بود. با علم به مشکلات موجود در قوانین یادشده در خصوص مداخله‌گری اولیای قانونی اطفال و نوجوانان، درنهایت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، سطوح گسترده‌تری از مسئولیت برای والدین و سرپرست در صورت ارتکاب جرم از سوی فرزند خود و بار نمودن الزامات و تعهداتی بر آنان با هدف بازپروری کودک پیش‌بینی شد. با این حال، با نگاهی به قوانین کیفری ایران از منظر نقش خانواده و واکنش‌های خانواده‌محور، می‌توان دریافت که قوانین اخیر نیز همواره با ابهامات متعددی مواجه است. برای مثال، شرایط دخیل دانستن خانواده در واکنش به بزهکاری اطفال و نوجوانان چیست؟ آیا والدین و سرپرست ملزم به همکاری با مقامات قضایی در خصوص تربیت و اصلاح کودک بزهکار هستند یا می‌توانند از آن سر باز زنند؟ در صورت پذیرش طفل یا نوجوان جهت تربیت و عدم اجرای تعهدات از سوی والدین و سرپرستان قانونی، آیا ضمانت اجرایی برای اشخاص نامبرده قابل تصور است؟ اساساً با توجه به الگوهای حاکم بر نظام عدالت اطفال و نوجوانان در ایران، ملاک تعیین محدوده زمانی مداخله خانواده در پاسخ به بزهکاری کودک چیست؟

در راستای پاسخ‌دهی به موارد پیش‌گفته، نظام حقوقی کشور اسکاتلند به‌عنوان نظامی که از نظر الگوی عدالت اطفال و نوجوانان به ایران نزدیک بوده و در آن واکنش‌های خانواده‌محور به‌خوبی و روشنی تبیین شده، جهت مطالعه تطبیقی انتخاب شده است. این نظام به نیکی واکنش‌های مختلفی را که بر «کودک» و «خانواده» بار می‌شود، تفکیک نموده و شرایط آن را مقرر کرده است. از این رو، مقاله حاضر درصدد است با مطالعه کتابخانه‌ای و تطبیقی میان قوانین ایران و اسکاتلند، نحوه مواجهه اسکاتلند را با مواردی که قوانین ایران در آنها دارای ابهام است مورد واکاوی قرار داده، انتظار می‌رود که مطالعه این دو نظام به صورت تطبیقی و تبیین تمایزات و تشابهات، خلأهای نظام حقوقی ایران را در حوزه پاسخ‌های خانواده‌محور مشخص نماید. در نهایت، در نوشتار حاضر تلاش بر آن است تا در پرتو الگوهای عدالت

پاسخ‌های کیفری قابل اعمال، تسلیم طفل به اولیای خود با التزام به تأدیب و تربیت و مواظبت است.

۱. در مواد ۱۷ و ۱۸ این قانون به تسلیم طفل بزهکار به اولیا یا سرپرست با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل اشاره شده است.

۲. ماده ۲۶ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ و نیز ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به‌صراحت مقرر کرده بودند که اطفال در صورت ارتکاب جرم از مسئولیت کیفری مبری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء کانون اصلاح و تربیت است.

اطفال و نوجوانان و بهره‌گیری از قوانین اسکاتلند، پیشنهادهایی جهت اصلاح قوانین ایران در چارچوب مورد بحث ارائه گردد و مطالعه حاضر در راستای هدف خود که تقویت نظام حقوقی ایران در قلمرو پاسخ‌دهی خانواده‌محور و کمک به رفع خلأهای موجود است، حرکت نماید.

برای بررسی مبنایی موضوع، ضروری است تا ابتدا الگوهای عدالت اطفال و نوجوانان در دو کشور ایران و اسکاتلند مورد واکاوی قرار گرفته، علت تقریب این دو نظام حقوقی تبیین گردد. در راستای این امر، نگارندگان مقاله حاضر ابتدا به بررسی الگوهای حاکم و غالب در این دو کشور (بند ۲) و سپس به امور ماهوی نقش خانواده در فرایند پاسخ‌دهی به بزهکاری اطفال و نوجوانان (بند ۳) می‌پردازند.

۲. الگوی واکنشی نسبت به بزهکاری اطفال و نوجوانان در ایران و اسکاتلند

برای نیل به شناختی صحیح‌تر از اقدامات واکنشی علیه اطفال و نوجوانان، باید توجه داشت که نحوه اعمال و اجرای سازوکارهای گوناگون در این حوزه، تا حد زیادی به الگوی عدالت اطفال و نوجوانان^۱ مورد تبعیت در هر نظام حقوقی بازمی‌گردد. الگوهای عدالت اطفال و نوجوانان، نحوه نگرش و واکنش نسبت به کودکان بزهکار را در نظام‌های حقوقی روشن نموده، خط مشی کشورها را در این حوزه تعیین می‌نماید. در این راستا، شایان ذکر است که اگرچه هیچ‌کدام از نظام‌های حقوقی را نمی‌توان نماینده کامل و حقیقی یکی از الگوهای موجود دانست، لیکن الگوهای عدالت اطفال و نوجوانان برآوردی تقریبی از آن چیزی هستند که در عالم واقع مشاهده می‌شود و از آن جهت مطالعه الگومحورانه دارای ارزش است که به طبقه‌بندی بهتر مطالب و تسهیل پژوهش کمک می‌نماید؛ به این معنا که در هریک از الگوها چارچوب‌هایی ارائه شده است که می‌توان برای توصیف، بیان تمایزات موجود بین کشورها و تحلیل مقایسه‌ای از آنها استفاده کرد (Winterdyk, 2014: 7؛ Delmas-Marty, 2019:137). از این رو، برای آغاز فرایند مطالعه تطبیقی، اتخاذ الگویی مفروض به‌منظور کشف تفاوت‌ها و تشابهات سودمند است تا از این رهگذر بتوان نحوه تکامل نظام‌های حقوقی و امکان تغییر در آنها را بررسی نمود؛ از طرفی، ذکر این نکته لازم است که موضوع و کاربرد مطالعه تطبیقی را نباید صرفاً به مقایسه دو نظام حقوقی (چه در سطح کلان و چه در سطح جزئی) تقلیل داد و به‌منظور پرهیز از سقوط در این ورطه تقلیل‌گرا، بایسته است تا پژوهش تطبیقی را از دریچه‌های گوناگون، از جمله الگوی مورد انتخاب، بررسی نمود (Asimi & Yekrangi, 2023: 31, 35).

۱. برای مطالعه بیشتر، نک: غلامی، حسین (۱۳۹۲). الگوها یا گونه‌های عدالت کیفری اطفال. نشریه آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۰ (۶)، ۸۹-۱۰۶.

در قوانین ناظر بر واکنش علیه بزهکاری اطفال و نوجوانان در ایران، تلفیقی از دو الگوی رفاه^۱ (نه در مفهوم خالص آن) و عدالت کیفری^۲ قابل مشاهده است. ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی با داشتن نگرشی بازپروانه نسبت به کودک و عنایت به مصلحت وی و همچنین دخیل دانستن خانواده و امکان تغییر واکنش‌ها در جهت اصلاح طفل و نوجوان (تبصره ۳ این ماده)، نگرشی رفاهی نسبت به این قشر دارد. از سوی دیگر، علاوه بر پاسخ‌های خانواده‌محور، سایر ضمانت‌های اجرا نیز نظیر نصیحت به‌وسیله قاضی و اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم، واکنش‌هایی خشن و دردآور نیستند؛ چراکه الگوی یادشده نگرشی حمایتی داشته، غایت آن کیفر دادن کودک نیست. از این رو، در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، غلبه محورهای الگوی رفاه و برتری کیفرهای اجتماع‌محور^۳ در مقایسه با کیفرهای سنگین و سالب آزادی قابل توجه است؛ لیکن باید در نظر داشت که ماده ۸۹ همین قانون و همچنین قوانین حاکم بر دادرسی اطفال و نوجوانان به جهت پیش‌بینی گسترده کیفرهای سالب آزادی و رسیدگی به اطفال و نوجوانان بزهکار در نظام رسمی دادگستری و دادگاه‌ها، قریب به الگوی عدالت کیفری است. این تلفیق همان است که امروزه پس از عدول بسیاری از کشورهای جهان از حالت خالص الگوهای پیشین و روی آوردن آنها به الگوهای ترکیبی و تعدیل‌شده به‌وقوع پیوسته و در این راستا «الگوی عدالت کیفری اصلاح‌شده»^۴ که ترکیبی از دو الگوی رفاه و عدالت کیفری می‌باشد، پا به عرصه وجود نهاده است.

از طرفی، نظام عدالت اطفال و نوجوانان اسکاتلند نیز در ابتدا متعهد به صفات دولت رفاه بوده که به تعهد مستمر به کار اجتماعی با مجرمان پایبند است؛ در این فضا، چنین نظامی بر پایه مجموعه‌ای از اصول رفاهی شکل گرفت که در آغاز، از گزارش کمیته کیلبراندون در سال ۱۹۶۴^۵ نشئت گرفته است (Burman et al, 2006: 439). از نظر تاریخی، با وجود آنکه الگوی رفاه همچنان به‌عنوان سنگ بنای نظام عدالت اطفال اسکاتلند باقی مانده است، می‌توان این نظام را به دوره‌های متفاوتی تقسیم کرد که در برخی از آنها رفاه‌گرایی نقش برجسته‌تر و در برخی از دوران نیز نقش کم‌رنگ‌تری را ایفا نموده است (McAra & McVie, 2014: 265)؛ لیکن همان‌گونه که بیان شد، به‌رغم آنکه کشور اسکاتلند نیز به مرور زمان از حالت خالص و اولیه الگوی رفاه عدول کرده و در برخی موارد به سمت قانون‌گرایی و کیفرهای سخت‌گیرانه‌تر رفته است، همچنان بسیاری از مشخصه‌های حاکم بر الگوی رفاه را در نظام

1. Welfare Model

2. Justice Model

3. Community sentences

۴. کیفرهای اجتماع‌محور، ضمانت‌های اجرایی هستند که شامل کیفر حبس نمی‌شوند، بلکه شامل اقداماتی نظیر توبیخ، کیفرهای مالی مانند جزای نقدی، اقدامات نظارتی و خدمات عمومی رایگان هستند (Muncie & McLaughlin, 2001: 44).

5. Modified Justice Model

6. The Kilbrandon Report, 1964.

عدالت اطفال و نوجوانان خود حفظ نموده است. برای مثال، تأکید بر رعایت مصالح عالیۀ کودک در بسیاری از موارد و لغو دادگاه‌های نوجوانان و تأسیس نهادی واحد تحت عنوان «هیئت‌های رسیدگی به کودکان»^۱ جهت تأکید بر یکسان بودن نیازهای کودکان در معرض خطر (اعم از بزهکار و غیربزهکار)^۲ (McAra, 2006: 128) در این زمینه قابل توجه است و تمایل و پایبندی نظام عدالت اطفال و نوجوانان اسکاتلند به الگوی رفاه، امکان مطالعه تطبیقی این کشور را با نظام کیفری ایران میسر نموده است. در راستای مطالب پیش گفته، مقاله حاضر درصدد است با محوریت ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی و تأکید بر مشخصه‌های حاکم بر الگوی رفاه، بحث را به انجام رساند.

۳. ضمانت‌های اجرای خانواده‌محور در ایران و اسکاتلند

بر اساس نگرش رفاهی، در کنار رعایت اصولی همانند اصل فردی بودن کیفر و رعایت مصالح عالیۀ کودک، اصل دیگری نیز وجود دارد که ناظر بر عدم امکان جدا نمودن کودک از خانواده اوست. اصل یادشده در اسناد بین‌المللی گوناگون همواره مورد تأکید واقع شده و به‌نظر می‌رسد به‌رغم آنکه در پژوهش‌های علمی کمتر به آن پرداخته شده، دارای اهمیتی والا و شایستۀ توجه بیشتری است. برای مثال، ماده ۹ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)^۳ به‌صراحت بیان داشته است که کودک را نمی‌توان برخلاف میل خود از والدین جدا کرد، مگر در مواردی که مقامات ذی‌صلاح مطابق قوانین و منوط به بررسی‌های قضایی، به این نتیجه برسند که جدایی از والدین به نفع کودک است.^۴ در این راستا، باید توجه داشت که در چارچوب کنوانسیون یادشده، خانواده مسئولیت اصلی تربیت و رشد کودک را برعهده داشته، رعایت مصالح عالیۀ کودک باید اصلی‌ترین دغدغه این نهاد باشد. همچنین در برخی دیگر از مواد، دسته‌ای از حقوق^۵ به نحوه مداخلۀ دولت در جهت حمایت از خانواده و یا ارائه مراقبت‌های جایگزین - تنها در شرایطی که این نهاد نتواند عملکردی مطلوب داشته باشد - اختصاص داده شده‌اند (Buck, 2014: 165). در مقررات پکن (۱۹۸۵)^۶ نیز طیف متنوعی از تصمیمات بیان شده و قاعده آن است که هیچ‌یک از نوجوانان مگر در صورت ایجاب شرایط پرونده، بعضاً یا کلاً از سرپرستی والدین خود خارج

1. Children's Hearing System

۲. نهاد یادشده برای نخستین بار در قانون مددکاری اجتماعی اسکاتلند پیش‌بینی گردید؛ جهت مطالعه بیشتر، نک:

Social Work (Scotland) Act, 1968 Available in: <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/1968/49/contents> (last visit: 9/3/2023)

3. Convention on the Rights of the Child, 1989.

4. Available in: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92374> (last visit: 3/2/2024)

۵. در این خصوص به مواد ۵، ۹، ۱۸، ۱۹، ۲۵، ۲۷ و ۳۹ کنوانسیون مراجعه شود.

6. United Nations Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice (The Beijing Rules), 1985.

نشوند.^۱ از این رو، جدایی فرزندان از والدین خود آخرین راه حل بوده، تنها زمانی می توان به این اقدام متوسل شد که وقایع مندرج در پرونده آن را جایز شمارد. از طرفی بر اساس رهنمودهای ریاض (۱۹۹۰)،^۲ دولت ها باید اقداماتی را در جهت ارتقای همبستگی و هماهنگی خانواده و پیشگیری از جدا شدن فرزندان از والدین خود انجام دهند و مراقبت های جایگزین^۳ فقط در صورت نبود ثبات در محیط خانواده و عدم موفقیت تلاش های جامعه برای مساعدت به والدین اعمال می شود؛ همچنین ضرورت دارد تا سیاست هایی در جهت پرورش کودکان در محیط های خانوادگی از سوی دولت ها اتخاذ شود و خدمات لازم در اختیار خانواده های نیازمند کمک قرار گیرد.^۴ بنابراین، بر مبنای کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد بین المللی ارشادی، خروج کودک از خانواده خود باید به عنوان «آخرین راه حل» در نظر گرفته شود. حال، در راستای پیوستن ایران به کنوانسیون حقوق کودک و الزام آور بودن مفاد کنوانسیون یادشده برای کشورهای عضو، علاوه بر آنکه در ماده ۴۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ به این اصل اشاره شده است،^۵ شایسته به نظر می رسد که اصل یادشده در تصمیم گیری بر اساس ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی نیز در صورت ایجاب مصلحت کودک، مورد نظر و در اولویت قرار داده شود.

تسلیم طفل و نوجوان بزهکار ۹ تا ۱۵ ساله به والدین، اولیا یا سرپرست قانونی به همراه اخذ تعهد از آنان جهت تأدیب و تربیت و مواظبت از طفل یا نوجوان که در بند «الف» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده، تا حدودی با دستورات خانواده محوری که در کشور اسکاتلند صادر می شود، مشابه است. برای مثال، پیوستن افراد به «قرارداد رفتار قابل قبول»^۶ یکی از اقداماتی است که در کشور اسکاتلند جهت مداخله زودرس و در صورت بروز رفتارهای ضد اجتماعی از کودک صورت می گیرد. قرارداد یادشده تعهدی کتبی است که بین والدین یا سرپرستان کودک و پلیس یا سایر نهادهای مربوطه منعقد می شود. در راستای پیوستن به چنین تعهدی، ضرورت دارد تا والدین یا سرپرست بر رفتار کودک خود نظارت داشته، تا از آن پس به نحو قابل قبولی رفتار نماید.^۷ افزون بر قرارداد یادشده، ضمانت های اجرای

۱. قاعده ۱۸، ۲

2. United Nations Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency (The Riyadh Guidelines), 1990.

۳. از جمله نظام شبه خانواده و فرزندخواندگی

4. Available in: <https://juvenilejusticecentre.org/resource-library/> -المللی -بین -ملی -مقررات -قوانین (last visit: 12/5/2023)

۵. بر اساس ماده ۴۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان «در تمام تدابیر و اقدامات حمایتی موضوع قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، اولویت با اقداماتی است که منجر به خروج طفل یا نوجوان از محیط خانواده یا قطع ارتباط با آنها نشود».

6. Acceptable Behaviour Contract

7. Antisocial Behaviour etc. (Scotland) Act 2004: Guidance on Antisocial Behaviour Orders, Scottish Executive, Edinburgh, 2004. Available in: <https://www.gov.scot/publications/antisocial-behaviour-etc-scotland-act-2004-guidance-antisocial-behaviour-orders/> (last visit: 2/2/2024)

سنگین‌تری نیز در قالب «قرارهای فرزندپروری» در قوانین این کشور جهت نظارت بر کودک بزهکار و سرپرست وی وجود دارد. بر اساس قانون رفتار ضداجتماعی ۲۰۰۴ اسکاتلند، «قرار فرزندپروری» دستوری است که یک شخص معین (ازجمله والد کودک) را در مدت زمان مشخص، به رعایت موازین مندرج در دستور و شرکت در جلسات مشاوره یا راهنمایی ملزم می‌نماید.^۲ غایت این قرار، در عوض نظارت مستقیم نهادهای عدالت کیفری بر طفل یا نوجوان بزهکار، تأثیرگذاری بر والدین و سرپرست وی است. در حقیقت، فلسفه وجودی قرار یادشده در اسکاتلند آن است که برخی از والدین به صورت عمدی یا به دلیل ناتوانی و عدم مهارت، نیازها یا نحوه رفتار فرزندان خود را نادیده می‌گیرند؛ از این رو، لازم است تا با به‌کارگیری اقداماتی به صورت اجباری، این اطمینان حاصل شود که فرزندپروری آنها از استاندارد قابل قبولی برخوردار است (Walters & Woodward, 2007: 6).

در کشور اسکاتلند، مفهوم همکاری با والدین از رهگذر هیئت‌های رسیدگی به کودکان، اصلی اساسی تلقی می‌شود (Whyte, 2007: 52)؛ لیکن صدور قرارهای فرزندپروری و به‌ویژه دوره‌های آموزشی والدین را می‌توان بر اساس اهداف متفاوتی توجیه کرد؛ چراکه سیاست برخورد با اطفال و نوجوانان بزهکار در این کشور، همواره بین دیدگاه منفعت عمومی و رفاه‌گرایی مورد مناقشه بوده، عوامل سیاسی، منافع گستره اجتماعی و فرهنگی، ازجمله عوامل صعود یکی از این دو رویکرد در مقاطع مختلف تاریخی بوده است؛ برای مثال، در بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۷، به‌تدریج گفتمان منافع عمومی به رسیدگی‌ها ورود پیدا کرد که این مرحله با افزایش وسیع نظارت بر کودکان و خانواده‌های آنها در این کشور مشخص می‌شود؛ در این راستا، می‌توان چنین برداشت کرد که قرارهای مربوط به فرزندپروری نیز در جهت جامعه‌محوری بیشتر در این دوره به‌تصویب رسیده‌اند و شاید هدف از صدور قرارهای یادشده، کنترل بیشتر بر والدین کودک در راستای مصلحت جامعه بوده است؛ به نحوی که افزایش تأکید بر مسئولیت والدین با مسئولیت آنان در قبال جامعه مرتبط بوده، نه مسئولیت آنان در قبال کودک. در دیدگاه یادشده، نگرانی اصلی، رفاه یا مصلحت کودک نیست، بلکه هدف آن است تا کودک به نحوی رفتار نماید که با دیدگاه دولت در خصوص رفتار خوب و پسندیده سازگار باشد؛ لیکن از سال ۲۰۰۷ به بعد، با وجود آنکه الگوی رفاه در حالت خالص و اولیه خود دیگر بر نظام عدالت اطفال و نوجوانان اسکاتلند حاکم نبود، دیدگاه جامعه‌مدار تاحدودی به حاشیه رفت و رعایت برخی از اصول رفاهی در اقدامات و تصمیمات خانواده‌محور بار دیگر مورد توجه قرار گرفت و از آن پس، اقدامات یادشده ازجمله صدور «قرار فرزندپروری» و آموزش والدین نیز تنها در شرایطی مورد استفاده قرار می‌گیرد که مصالح عالیّه کودک رعایت شود و نگرش از وظیفه والدین در قبال دولت به سمت وظیفه

1. Antisocial Behaviour etc. (Scotland) Act 2004 Available in: <https://www.legislation.gov.uk/asp/2004/8/contents> (last visit: 11/6/2023)
2. S. 103 (1) (a),(b)

آنان در قبال کودک تغییر مسیر دهد (Hollingsworth, 2007: 204-205; McAra & McVie, 2014: 268, 291). رویکرد اخیر، یادآور این امر است که جهت پیاده‌سازی اهداف الگوی رفاه و پیروی از این نگرش، در قدم نخست ضرورت دارد تا کودک‌مداری و مصلحت کودک در تمامی تصمیمات اتخاذی در اولویت قرار داده شود.

در راستای تطبیق موارد فوق با قوانین ایران، می‌توان این‌گونه بیان نمود: «قرارداد رفتار قابل قبول» بدان جهت که حالتی توافقی داشته، والدین یا سرپرست را متعهد به نظارت بر رفتار کودک می‌نماید، با بند «الف» ماده ۸۸ دارای شباهت است؛ لیکن باید توجه نمود که در قوانین کیفری ایران، امکان توسل به ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی تنها از رهگذر ارتکاب جرم بوده، رفتارهای ضداجتماعی که ارتکاب آنها جرم محسوب نمی‌شود، در قانون مجازات اسلامی جایگاهی ندارد. از این رو، «قرار فرزندپروری» به‌عنوان پاسخی که امکان توسل به آن در صورت ارتکاب جرم وجود دارد، در مقایسه با «قرارداد رفتار قابل قبول» قابلیت انطباق بیشتری با بند «الف» ماده ۸۸ دارد. در این راستا، به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین تفاوت «قرار فرزندپروری» با بند «الف» ماده ۸۸ آن است که در «قرار فرزندپروری» شرکت والدین کودک در جلسات مشاوره رکن مهم و تشکیل‌دهنده این قرار بوده، در کنار آن می‌توان جهت اعمال کنترل بیشتر، والدین را به رعایت دستورات دیگری همانند دستورات مندرج در تبصره بند «الف» ماده ۸۸ ملزم نمود. در حقیقت، قرار فرزندپروری علاوه بر ارتکاب جرم، تحت شرایط دیگری نظیر کوتاهی والدین در محافظت از کودک و یا به‌خطر افتادن رفاه کودک به دلیل رفتار والدین نیز قابلیت صدور داشته (Whyte, 2007, 53)، تمرکز اصلی آن بر والد و اصلاح نحوه رفتار وی با کودک است؛ درحالی که در بند «الف» ماده ۸۸، تمرکز اصلی بر کودک بزهکار بوده، والدین او تنها اشخاصی هستند که متعهد شده‌اند وی را بپذیرند، از او مراقبت کنند و در صورت مصلحت، دستوراتی را جهت بازپروری یا کنترل و نظارت بیشتر بر فرزند خود انجام دهند و برخلاف قرار فرزندپروری، در جریان اجرای تصمیم یادشده خدمتی به والدین یا سرپرست ارائه نخواهد شد.

از سوی دیگر، در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و آیین‌نامه اجرایی آن نیز در مواردی به‌طور پراکنده به اقدامات خانواده‌محور پرداخته شده، لیکن پرسش اصلی آن است که آیا می‌توان از تمام اقدامات حمایتی موجود در این قانون جهت حمایت از اطفال و نوجوانان بزهکار نیز استفاده نمود؟ در نگاه اول، به‌نظر می‌رسد که قانون یادشده بیش از آنکه بر اطفال و نوجوانان بزهکار تمرکز داشته باشد، بر بزه‌دیدگی آنان تأکید دارد؛ لیکن در راستای تمرکز مواد قانون حمایت از اطفال و نوجوانان بر اصول و فروض الگوی رفاه، می‌توان بیان داشت باتوجه به تأکید الگوی یادشده بر وجود تشابه میان نیازهای کودکان در معرض خطر (اعم از بزهکار یا غیربزهکار) و لزوم برخورد مشابه با هر دو گروه و قائل

بودن به طراحی نظامی واحد جهت شناسایی و برآورده نمودن نیازهای کودکان (Muncie, 2004: 258)، می‌توان با در نظر گرفتن چنین فرضی و عنایت به مصادیق وضعیت مخاطره‌آمیز در ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان که بزهکاری کودکان را نیز دربر گرفته است، تمامی اقدامات حمایتی این قانون را شامل هر دو دسته کودکان بزهکار و غیربزهکار نیازمند مراقبت دانست. از این رو، امکان استفاده از حمایت‌های موجود در این قانون جهت کمک به والدین کودکان بزهکاری که نیازمند کمک و حمایت‌اند، فراهم بوده، می‌توان با انجام این اقدامات مانع خروج طفل و نوجوان از خانواده شد. در این راستا، ماده ۴۲ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان بیان داشته است که دادگاه رسیدگی‌کننده به جرایم موضوع این قانون، در صورت ضرورت و مصلحت طفل یا نوجوان، می‌تواند ضمن صدور حکم محکومیت، حسب مورد تصمیماتی را اتخاذ نماید و جهت حمایت از خانواده کودک، معرفی آنان به سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی فعال در زمینه اقدامات حمایتی پیش‌بینی شده است. همچنین در ماده ۴۳ این قانون مقرر شده است: «در تمام موارد موضوع این قانون، قاضی رسیدگی‌کننده می‌تواند در کلیه مراحل رسیدگی، والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی اطفال و نوجوانان یا سایر اشخاص مرتبط با پرونده را ملزم به شرکت و أخذ گواهی دوره‌های آموزشی حقوق اطفال و نوجوانان کند».

در راستای مطالب پیش گفته، می‌توان دریافت که در برخی از کشورها از جمله کشور اسکاتلند، امر مشاوره و آموزش والدین کودکان بزهکار از دهه‌های اخیر مورد توجه مقنن قرار گرفته است؛ لیکن در کشور ایران، توجه به امر یادشده در قالب تصمیمی مستقل و منشأ اثر، تاکنون صورت نگرفته است^۱ و به‌رغم نوآوری‌های موجود در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، به‌نظر می‌رسد که موارد مطرح‌شده در این قانون به میزان کافی توانایی رفع خلأهای موجود را نداشته، استفاده از اقدامات حمایتی خانواده‌محور در ایران به‌عنوان رکنی خطیر در تصمیمات مرتبط با کودک پذیرفته نشده است^۲. در این راستا، در قدم اول ضروری است تا تصمیمات مستقلی با محوریت توان‌بخشی خانواده کودک در قانون پیش‌بینی شود؛ به نحوی که قانون توجه والد کودک و کمک به وی از راه‌های مورد نیاز باشد و در قدم دوم، جهت اجرایی‌تر شدن تصمیمات خانواده‌محور، بسترهای آن نیز فراهم شده، اقداماتی مانند تربیت نیروی انسانی متخصص و افزایش میزان بودجه مالی به‌منظور گسترش برنامه‌های حمایتی مرتبط با کودکان در معرض

۱. بدیهی است آموزش‌های یادشده نباید در جهتی قرار گیرند که با حقوق والدین در راستای تربیت و آموزش فرزند خویش در تعارض باشند.

۲. در این خصوص، توجه به ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق کودک حائز اهمیت است که بیان می‌دارد: «حق کودک نسبت به برخورداری از استاندارد مناسب زندگی برای توسعه جسمی، ذهنی، روحی، اخلاقی و اجتماعی باید به رسمیت شناخته شود و کشورهای طرف کنوانسیون مطابق با شرایط ملی و در چارچوب امکانات خود باید اقدامات ضروری را برای یاری والدین یا سایر اشخاص مسئول به‌عمل آورند و در صورت لزوم برنامه‌های مالی و حمایتی فراهم کنند».

خطر و خانواده آنها صورت گیرد. در حقیقت، از آنجا که تمامی ابعاد حقوق رشد‌مدارانه کودک به نحوی با خانواده مرتبط است (Moazemi & Mahdavi, 2009: 86)، ضرورت دارد تا آموزش‌هایی در زمینه نقش و مسئولیت نهاد خانواده در خصوص پرورش و مراقبت از کودک، ارتقای روابط مثبت والدین با فرزندان، جلب توجه والدین به مسائل اطفال و نوجوانان و تشویق آنان به مشارکت در فعالیت‌های خانواده‌محور^۱، مورد التفات بیشتری از سوی قانون‌گذار قرار گیرد؛ چراکه بی‌تردید، تسلیم طفل و نوجوان به والد یا سرپرستی که درک صحیحی از تربیت یا نقش کنترلی خانواده نداشته، فاقد شایستگی اخلاقی و اقتصادی کافی جهت پرورش کودک باشد، تأثیری بر اصلاح و بازپروری و پیشگیری از بزهکاری مجدد نخواهد داشت.

افزون بر خلأهایی که به‌طور کلی در خصوص اقدامات خانواده‌محور در نظام عدالت اطفال و نوجوانان ایران مطرح شد، تسلیم طفل و نوجوان به والدین یا سرپرست خود که در حال حاضر به‌عنوان ضمانت‌اجرائی خانواده‌محور در قوانین کیفری ایران انعکاس یافته است، شایسته واکاوی بیشتری بوده، تلاش بر آن است تا در ادامه، به چالش‌ها و ابهامات ناظر بر این تصمیم و تطبیق آن با قوانین اسکاتلند به‌طور مبسوط پرداخته شود.

۳.۱. امکان سنجی الزام والدین یا سرپرست قانونی به پذیرش طفل یا نوجوان

نخستین ابهام قابل طرح در بند «الف» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، آن است که در صورت تصمیم قاضی به تسلیم طفل یا نوجوان به والدین یا سرپرست قانونی، آیا افراد یادشده در پذیرش وی الزام دارند؟ یا الزامی وجود ندارد و پذیرش کودک مشروط به قبولی این افراد است؟ در این راستا، استدلال‌های متفاوتی به ذهن خطور می‌کند؛ برای نمونه، شاید بتوان بیان نمود در بند «الف» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، پذیرش طفل یا نوجوان از سوی والدین مشروط نیست و ماده یادشده تسلیم را منوط به قبول این افراد نکرده است. در حقیقت، باتوجه به تصریح تبصره بند «ب» ماده ۸۸، تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است؛ درحالی که ذیل بند «الف» این ماده چنین مطلبی بیان نشده است و اگر بنابر قبول کردن بود، قانون‌گذار به تصریح آن می‌پرداخت. دلیل دیگری که در جهت تأیید استدلال‌های فوق وجود دارد، استناد به ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی است. این ماده بیان می‌دارد: «نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است»؛ بر این اساس، با عنایت به تأکید قانون مدنی، خودداری والدین از نگهداری کودکان امکان‌پذیر نبوده، چنین امری صرفاً مقوله‌ای شخصی و خصوصی نیست، بلکه به دلیل تأثیرگذاری بر رفتار آینده کودک و حتی جامعه، جنبه عمومی نیز می‌یابد (Niazpour, 2013: 260).

1. The Riyadh Guidelines, principal 16.

در مقابل این دیدگاه، استدلال مخالفی نیز وجود دارد که بر اساس آن نمی‌توان والدین و سرپرست قانونی را به پذیرش طفل یا نوجوان الزام نمود. بر این اساس، دلیلی وجود ندارد که تبصره یادشده در ذیل بند «ب» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی که تسلیم طفل به افراد واجد صلاحیت را منوط به قبول آنان نموده است، منحصر به این بند باشد. همچنین، ناگفته پیداست که تسلیم طفل و نوجوان به اشخاص یادشده در بند «الف» تنها در صورت صلاحیت آنان است؛ از این رو، این اشخاص در زمره افراد واجد صلاحیت بوده، تبصره از این جهت نیز می‌تواند ناظر به هر دو بند «الف» و «ب» باشد. از سوی دیگر، اقدامات یادشده در بند «الف» و تبصره آن در فرایند تربیت انجام می‌گیرد و باید این نکته را مورد توجه قرار داد که تأدیب و تربیت اقداماتی بیش از نگهداری فیزیکی کودک بوده، تا زمانی که والد یا سرپرست به آن رضایت ندهد و تمایلی نسبت به انجام آن نداشته باشد، اجرای چنین اقداماتی عملاً ممتنع است و طفل یا نوجوان در وضعیت سابق خود باقی مانده، از شرایط خطر گرایش به جرم خارج نخواهد شد. در خصوص ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی نیز شایان ذکر است که ماده یادشده صرفاً به والدین اشاره دارد و حق و تکلیفی را برای سرپرست قانونی معین نکرده است. به علاوه، این ماده فقط ناظر بر اطفال بوده، نگهداری نوجوانان که از سن بلوغ گذر کرده‌اند، تکلیف والدین نیست؛ بنابراین، نگهداری این دسته منوط به قبول والدین و به‌ویژه سرپرستان آنها است.

علاوه بر ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی که نگهداری اطفال را هم حق و هم تکلیف ابوبین می‌داند، برخی دیگر از مواد این قانون نیز به حضانت طفل اشاره داشته‌اند که در ظاهر شباهت‌هایی با بحث نگهداری اطفال و نوجوانان در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی دارند. برای مثال، در ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی مقرر شده است که «هیچ‌یک از ابوبین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل برعهده آنها است از نگهداری او امتناع کنند...» یا ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی بیان داشته است: «ابوبین مکلف‌اند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش برحسب مقتضای اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند». از سوی دیگر، قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ نیز جنبه تکلیفی بودن حضانت را به‌طور ضمنی تأیید کرده و در ماده ۵۴، برای خودداری مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر خود اقدام به تعیین کیفر نموده است (Emami & Safaei, 2017: 382)؛ لیکن پرسش آن است که آیا مقوله حضانت با بند «الف» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی هم‌پوشانی و ارتباط دارد؟ به‌نظر می‌رسد پاسخ این پرسش منفی است و باید توجه داشت که حضانت بدان جهت که واجد جنبه‌ای مدنی بوده، دارای احکام خاص خود در حوزه حقوق خانواده و حقوق مدنی است، اساساً با تصمیمی که دادگاه کیفری در خصوص تأدیب و تربیت کودک بزهکار حکم می‌کند،

۱. در باب تعریف حضانت می‌توان بیان نمود که حضانت، اقتداری آمیخته از حق و تکلیف است که قانون به منظور نگهداری و تربیت اطفال به والدین آنها اعطا نموده است (Katouzian, 2022: 131).

متفاوت است. از این رو، امکان توسل به احکام مرتبط با حضانت از رهگذر بند «الف» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی برای اطفالی که به سن بلوغ نرسیده‌اند، وجود نخواهد داشت و از این باب نیز نمی‌توان الزامی را بر والدین کودک بزهکار بار نمود. در این راستا، به نظر می‌رسد استدلال اخیر نیکوتر بوده، در صورتی که والدین، اولیا یا سرپرست قانونی رضایت نداشته باشند، تسلیم طفل و نوجوان به آنها تحت هیچ شرایطی قابل الزام نیست و باید تدابیر قانونی دیگری اتخاذ شود.

در کشور اسکاتلند، اقداماتی که ابتدا در قالب «قرارداد رفتار قابل قبول» بین نهادهای صالح و والدین یا سرپرست کودک در صورت بروز رفتار ضداجتماعی منعقد می‌شود، اقداماتی اختیاری بوده، والدین و سرپرست کودک الزامی به انجام تعهد یادشده ندارند؛ لیکن امتناع آنان از انعقاد قرارداد بدون وجود عذر موجه و یا انعقاد قرارداد و نقض آن از سوی افراد مربوطه، می‌تواند به عنوان مدرکی جهت بار نمودن اقدامات و ضمانت‌های اجرای سنگین‌تری از جمله صدور «قرار فرزندپروری» در نظر گرفته شود.^۱ از سوی دیگر، به نظر می‌رسد برخلاف قراردادهای «قرار فرزندپروری» به عنوان ضمانت اجرایی که والدین یا سرپرست کودک را ملزم می‌کند تا جهت پیشگیری از درگیر شدن فرزند خود در رفتارهای ضداجتماعی یا مجرمانه در آینده، در جلسات مشاوره و راهنمایی شرکت کرده (Arthur, 2009: 72)، دستوراتی را جهت نظارت بیشتر بر کودک رعایت نمایند، پس از صدور جنبه الزام‌آور دارد و بر اساس قوانین اسکاتلند، نقض آن دارای ضمانت اجرای کیفری است.

۲.۳. عدم پابندی والدین یا سرپرست قانونی به دستور دادگاه

مسئله دیگری که در بند «الف» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی قابل تأمل به نظر می‌رسد، ضمانت اجرای ناظر بر عدم اجرای دستورات دادگاه از سوی والدین یا سرپرست قانونی پس از اقدام آنان به پذیرش طفل یا نوجوان است. در راستای عدم اجرای بند «الف»، می‌توان بیان داشت که در قدم اول، الزام این افراد از طریق واحد اجرای احکام کیفری قابل تصور است؛ همچنین طبق تبصره ۳ ماده ۸۸، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند چنانچه به این امر حکم داده باشد، در صورت عدم اجرای تعهد و اقتضای مصلحت طفل یا نوجوان در تصمیم خود تجدیدنظر نماید؛ لیکن این اقدام ضمانت اجرا محسوب نمی‌شود.^۲ از

1. Antisocial Behaviour etc. (Scotland) Act 2004: Guidance on Antisocial Behaviour Orders, Scottish Executive, Edinburgh, 2004. Available in: <https://www.gov.scot/publications/antisocial-behaviour-etc-scotland-act-2004-guidance-antisocial-behaviour-orders/> (last visit: 2/2/2024)

۲. در بند ۲ ماده ۱۷ قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار، مقرر شده بود که در خصوص اطفال ۶ تا ۱۲ سال در مواردی که به جهتی از جهات ولی یا سرپرست صلاحیت نداشته، یا الزام او به تادیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل ممکن نباشد، طفل برای مدت یک تا شش ماه به کانون اصلاح و تربیت اعزام خواهد شد.

سوی دیگر باید توجه داشت که ماده ۴۰ قانون حمایت خانواده مقرر داشته است: «هرکس از اجرای حکم دادگاه در مورد حضانت طفل استنکاف کند... تا زمان اجرای حکم بازداشت می‌شود». همچنین ماده ۵۴ این قانون بیان می‌دارد که هرگاه مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند، مجازات خواهد شد. در ذیل ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی نیز بیان شده است: «در صورتی که الزام ممکن یا مؤثر نباشد، دادگاه حضانت را به خرج پدر یا هرگاه پدر فوت شده باشد به خرج مادر تأمین می‌کند». همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد، مواد یادشده مربوط به بحث حضانت بوده، ناظر بر زمانی است که حکم حضانت صادر شده، لیکن فرد حکم را اجرا نمی‌کند. از این رو، مواد ذکرشده اساساً نمی‌توانند ضمانت اجرای موضوع موردبحث تلقی گردند؛ چراکه موضوع بند «الف» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی حضانت نیست. به علاوه، به نظر می‌رسد تعهدی که در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی بر افراد بار می‌شود، ناظر بر شخصیت فرد بوده، دلیل تصریح نمودن این ماده به والدین یا سرپرست در بند «الف»، اهمیت ویژه این نهاد است. از این رو، مراد قانون‌گذار آن نبوده که در صورت عدم اجرای تعهد از سوی والدین یا سرپرست، چنین فقدان با اعمالی نظیر پرداخت وجه که در ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی پیش‌بینی شده است و یا سایر سازوکارهای موجود در این قانون جبران گردد. در نهایت، به نظر می‌رسد که در قوانین ایران در صورت صدور چنین تصمیمی و عدم پایبندی به آن، هیچ ضمانت اجرایی متوجه افراد یادشده نخواهد بود. در نظام حقوقی اسکاتلند، چنانچه «قرار فرزندپروری» صادر شده، فرد موردنظر بدون عذر موجه الزامات موجود در هریک از دستورات مندرج در قرار و یا سایر راهنمایی‌های ذکر شده را رعایت نکند، بر اساس قانون رفتار ضداجتماعی (۲۰۰۴) مرتکب جرم شده، به جریمه نقدی محکوم خواهد شد.^۱ در این خصوص لازم به ذکر است که بر اساس این قانون در صورت اعمال چنین ضمانت اجرایی، ضرورت دارد تا در هنگام تعیین کیفر برای فرد موردنظر، رفاه و مصلحت کودک نیز مدنظر قرار گیرد؛^۲ لیکن پرسش آن است که آیا اساساً جرم‌انگاری این امر و کیفر نمودن والدین یا سرپرستان جهت وادار نمودن آنها به نظارت بر رفتار و تربیت کودک راه‌حل مناسبی است؟ بر اساس نگرش رفاهی، فلسفه فرزندپروری مؤثر آن است که به نیازهای اطفال، نوجوانان و والدین آنها رسیدگی شده، در عین حال، پیشگیری و حمایت در مقابل اجبار و تنبیه ترویج شود؛ حال با درنظرگرفتن غلبه الگوی رفاه، آیا چنین اقدامی با فلسفه صدور این قرار در تعارض نیست؟ در این راستا، در کشور اسکاتلند نیز همواره نگرشی انتقادی درباره واکنش به نقض قرارهای فرزندپروری، خصوصاً کیفر نمودن والدینی که در محرومیت زندگی می‌کنند، وجود داشته است و عده‌ای معتقدند که اعمال کیفر بر والدین، تحت هیچ شرایطی به نفع فرزندان آنها نیست (Walters & Woodward, 2007: 6, 12).

1. S. 107(1), (2)

2. S. 107(3)

از سوی دیگر، دولت‌ها نیز عمدتاً در هنگام سرزنش والدین، رابطه علت و معلولی بین محیط اجتماعی، مدرسه و چشم‌اندازهای ضعیف اجتماعی - اقتصادی و ارتکاب جرم را نادیده می‌گیرند (Le Sage & De Ruyter, 2008: 790)؛ درحالی که مشکلات خانوادگی نه به صورت تنها، بلکه باید در کنار سایر مشکلات و نیازها دیده شود و خانواده باید از طریق تأمین منابع و ارائه خدمات حمایتی، در راهنمایی و پرورش کودک خود یاری شود و به این وسیله از انزوای خانواده کاسته شده، رفاه کودک و والدینش ارتقاء یابد (Arthur, 2009: 77). از این رو، به نظر می‌رسد تعیین ضمانت اجرای کیفری برای والدین یا سرپرست کودک چندان راه حل مناسبی نبوده، نمی‌توان با اعمال کیفر در جهت رعایت مصالح عالیۀ کودک عمل نمود. در این راستا، شاید راه حل صحیح‌تر آن باشد که با اعمال نظارت گسترده‌تر و کمک به رفع نیازها و مشکلات خانوادگی کودک، والدین و سرپرست به سمت مسئولیت‌پذیری بیشتر نسبت به کودک هدایت شده، اعمال ضمانت اجرای کیفری بر آنها آخرین راه حل باشد.

۳.۳. محدوده زمانی تعهد والدین یا سرپرست قانونی

پس از پذیرش طفل یا نوجوان، چالش‌های جدیدی نمایان می‌شود. بند «الف» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، مقرر داشته است که تسلیم طفل یا نوجوان بزهکار به والدین یا سرپرست قانونی، باید همراه با أخذ تعهد از آنها برای تأدیب و تربیت و مراقبت از طفل یا نوجوان باشد. بر این اساس، افراد یادشده باید پس از پذیرش طفل یا نوجوان به تربیت و مراقبت از وی تعهد دهند که پیش‌بینی این شرط از یک سو به عدالت کیفری جنبۀ توافقی داده، از سوی دیگر، تکلیف والدین و سرپرست در زمینه تربیت اطفال و نوجوانان را به آنها یادآور شده است (Niazpour, 2017: 161). در ماده ۵ کنوانسیون حقوق کودک نیز حق هدایت و راهنمایی کودک از سوی والدین یا سرپرست مطابق با ظرفیت‌های تکاملی کودک به رسمیت شناخته شده است و کشورهای طرف کنوانسیون موظف‌اند به مسئولیت‌ها، حقوق و وظایف والدین و سرپرستان احترام بگذارند؛ لیکن طبق این ماده، قدرت والدین باید در راستای منافع فرزندشان و بهره‌مندی کودک از حقوق خود به کار گرفته شود، نه در راستای منافع والدین؛ این موضوع توسط ماده ۱۸ کنوانسیون نیز مورد تأیید قرار گرفته است و والدین باید مصالح عالیۀ کودک را دغدغۀ اصلی خود قرار دهند (Tobin & Seow, 2019: 241).

علاوه بر أخذ تعهد اولیه به تأدیب و تربیت، به نظر می‌رسد که در برخی از موارد، صرف سپردن طفل یا نوجوان به خانواده کافی نیست و باید از رهگذر خانواده، برنامه‌های حمایتی نظام عدالت کیفری نیز اجرا شود (Roshan & Hoseini, 2013: 478). در این خصوص، دادگاه مختار است تا والدین یا سرپرست کودک را به انجام اعمال دیگری نیز متعهد نماید و قانون‌گذار با پیش‌بینی تکالیفی برای افراد

مربوطه، به تصمیم یادشده در بند «الف» جنبه مراقبتی داده، در تبصره تعهداتی را بر آنها بار نموده است که برخی از آنها جنبه بازپرورانه و برخی دیگر جنبه توان‌گیرانه دارد (Niazpour, 2017: 162). در این قسمت، تلاش بر آن است تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: آیا قاضی در هنگام صدور حکم به تعیین مدت تعهدات موجود در تبصره الزام دارد؟ محدوده زمانی تعهد والدین یا سرپرست در صورت عدم ذکر آن در حکم چگونه است و نیز سقف مدت این تعهدات چقدر است؟

نامعین بودن مدت احکام، یکی از ویژگی‌هایی است که ضمانت‌های اجرا در الگوی رفاه از آن برخوردارند؛ چراکه جهت حصول اهداف ناظر بر اقدامات تأمینی و تربیتی، بایسته است تا مدت آن نامعین باشد و مقنن و دادرس نمی‌توانند از پیش زمانی را برای به‌دست آوردن نتیجه موردنظر خود تعیین نمایند؛ زیرا دستیابی به نتیجه مطلوب، بستگی به حالت خطرناک بزهکار و تحولات وی در طول مدت اجرای حکم دارد (Ardebili, 2018: 46). در این راستا، ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی نیز ضمن تبعیت از محورهای الگوی رفاه، هیچ محدوده زمانی مشخصی را برای اقدامات موجود در تبصره بند «الف» پیش‌بینی نکرده و با توجه به عدم ذکر مدت‌زمان، شاید صحیح‌تر آن باشد که این تعهدات را در تقسیم‌بندی‌های گوناگون قرار داده، احکام متفاوتی بر آنها بار شود. قسم اول، شامل تعهداتی است که منوط به نتیجه‌اند و دربرگیرنده معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان، فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به‌منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی و اقدام لازم جهت ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک است؛ در این قسم در صورت حصول نتیجه، تعهد پایان خواهد یافت. قسم دوم، شامل تعهدات مستمر بوده، دربرگیرنده جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه و جلوگیری از رفت و آمد آنان به محل‌های معین است؛ در این حالت، با توجه به عدم ذکر مدت‌زمان برای اقدامات یادشده، تنها می‌توان به صدر ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مراجعه نمود و بیان داشت از آنجا که تصمیمات این ماده تنها ناظر بر افراد ۹ تا ۱۵ سال است، ملاک زمانی تعهدات نیز رسیدن به پانزده‌سالگی بوده، تعهدات موجود در این تبصره یا به سبب تحقق نتیجه خاتمه می‌یابند و یا در صورت وجود استمرار، سقف زمانی آن پایان پانزده‌سالگی است. در این راستا، پرسش دیگر آن است که اگر فرد در زمان ارتکاب جرم زیر پانزده سال داشته، لیکن در زمان صدور حکم از سن پانزده سال عبور نماید، محدوده زمانی تعهد چگونه تعیین می‌شود؟ در این فرض، به‌نظر می‌رسد قاضی ناگزیر است محدوده زمانی مشخصی را برای این تعهد در حکم تعیین نماید.

بر اساس قانون رفتار ضداجتماعی (۲۰۰۴) اسکاتلند، «قرار فرزندپروری» در هریک از جنبه‌های مختلف خود دارای مدت‌زمان مقرر است، لیکن این محدوده زمانی انعطاف‌پذیر بوده، امکان تغییر مدت‌های یادشده

وجود دارد. طبق این قانون، ضرورت دارد تا فرد موردنظر در راستای اجرای قرار فرزندپروری در طول یک دوره مشخص دوازده ماهه مقررات مشخصی را رعایت نموده، مدت شرکت در جلسات مشاوره و راهنمایی نیز حداکثر به مدت سه ماه مقرر شده است.^۱ در این راستا، باید توجه داشت که نامعین بودن محدوده زمانی احکام، به حقوق و آزادی‌های فردی اشخاص و همچنین اصل قانونی بودن که ضمانتی اساسی و مشترک میان صورت‌های گوناگون واکنش اجتماعی است، خدشه وارد می‌سازد (Ardebili, 2018: 47, 51) و این مسئله، چالشی است که همواره در خصوص نامعین بودن ضمانت‌های اجرا در الگوی رفاه وجود داشته است و شاید بهتر باشد که مقنن در جهت تعدیل چنین محوری، مدت مشخص اما قابل انعطاف را برای هر کدام از اقدامات تأمینی و تربیتی یادشده، تعیین نماید.

۴. نتیجه‌گیری

خانواده نخستین نهادی است که تمامی ابعاد رشد کودک را از بدو تولد تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارتی، رفع نیازها و قرار گرفتن کودک در مسیر رشد و تعالی، از رهگذر خانواده و نحوه رفتار این نهاد با کودک عبور می‌کند و والدین یا سرپرستان می‌توانند با اعمال نظارت و تربیتی صحیح، از ورود کودک خود به ورطه ارتکاب جرم جلوگیری نمایند. از این رو، بررسی نقش خانواده در پاسخ‌دهی به اطفال و نوجوانان و یافتن راه‌حلهایی جهت رفع خلأهای قانونی موجود در این زمینه و تقویت نقش این نهاد در پهنه عدالت کیفری اطفال و نوجوانان حائز اهمیت است. با تدقیق در قوانین کیفری ایران، می‌توان به این نتیجه دست یافت که در قوانینی مانند قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ به‌رغم آنکه تلاش‌هایی جهت پررنگ نمودن نقش خانواده در فرایند پاسخ‌دهی کیفری صورت گرفته است، قوانین یادشده همچنان دارای ابهامات و خلأهای فراوانی بوده، نهاد خانواده هنوز به‌عنوان کنشگری فعال در حوزه بزهکاری کودکان در کشور ایران پذیرفته نشده است. در این فضا، در مقاله حاضر تلاش بر آن بود تا به سبب ضعف قوانین کیفری ایران در حوزه اقدامات خانواده‌محور، جهت نیل به شناختی دقیق‌تر از اقدامات یادشده و کمک به رفع چالش‌های مرتبط با آن، با رویکردی تطبیقی به این مقوله نگریسته شود و در این راستا، اسکا تلند به‌عنوان کشوری که در زمینه اقدامات خانواده‌محور دارای سابقه‌ای تاریخی و نیز الگوی مشابه با ایران در خصوص پاسخ‌دهی به اطفال و نوجوانان بزهکار است، جهت مطالعه تطبیقی انتخاب گردید.

در قوانین کیفری ایران بر اساس بند «الف» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، تسلیم طفل یا نوجوان بزهکار به والدین یا سرپرست وی در قالب یک تصمیم بازپرورانه و خانواده‌محور پیش‌بینی شده است؛

1. S. 103(1) (a),(b), (3)

لیکن در خصوص این بند، پاره‌ای از ابهامات به ذهن خطور می‌نماید؛ ازجمله آنکه آیا بر اساس بند «الف» امکان الزام والدین یا سرپرست به پذیرش طفل یا نوجوان و تربیت وی وجود دارد یا خیر، که پس از واکاوی استدلال‌ها به نظر می‌رسد استدلال نیکوتر ناظر بر عدم امکان الزام افراد یادشده به پذیرش طفل یا نوجوان بزهکار است. همچنین لازم به ذکر است که در صورت پذیرش طفل یا نوجوان از سوی افراد مربوطه و عمل نکردن به تعهدات، ضمانت اجرایی جهت اعمال بر این ترک فعل در قوانین کیفری ایران وجود ندارد. از سوی دیگر در تبصره بند «الف» تدابیری بازپرورانه و حمایتی پیش‌بینی شده‌اند که دادگاه می‌تواند در صورت تشخیص مصلحت طفل یا نوجوان، والدین یا سرپرست قانونی را به انجام برخی از آنها متعهد نماید؛ لیکن از آنجا که ماده ۸۸ در خصوص مدت این تعهدات و سقف آن مقرر خاصی ندارد، به نظر می‌رسد در تعهدات منوط به نتیجه با حصول نتایج موردنظر، تعهد والد یا سرپرست نیز پایان یافته، در تعهداتی که استمرار دارند، با توجه به صدر ماده، سقف تعهد، رسیدن به پانزده سالگی است.

در کشور اسکاتلند، سازوکارهای متنوع‌تری در مقایسه با کشور ایران جهت اعمال دستورات مرتبط با خانواده وجود دارد که در این راستا می‌توان به «قرارداد رفتار قابل قبول» و «قرار فرزندپروری» اشاره نمود. قرارداد رفتار قابل قبول چندان با بند «الف» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی قابل تطبیق نیست، چراکه در حقوق کیفری ایران تحقق جرم لازمه توسل به این ماده است؛ درحالی که چنین قراردادهایی در کشور اسکاتلند عمدتاً برای پاسخ به رفتارهای ضداجتماعی کودک مورد استفاده قرار می‌گیرد، لیکن قرار فرزندپروری به عنوان ضمانت اجرایی که در صورت وقوع جرم از سوی کودک صادر شده و حاوی دستوراتی جهت نظارت بیشتر بر وی و شرکت والدین یا سرپرست در جلسات مشاوره و راهنمایی است، به رغم وجود برخی تفاوت‌ها، دارای شباهت بیشتری با بند «الف» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی است. در این راستا باید توجه داشت که قرار فرزندپروری برخلاف بند «الف» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، پس از صدور دارای جنبه الزام‌آور بوده، شخص یا اشخاص معینی که معمولاً والدین کودک هستند، ملزم‌اند بر اساس مدت تعیین شده در قانون، اقدام به رعایت دستورات مندرج در قرار و شرکت در جلسات مشاوره و راهنمایی نموده، نقض مفاد قرار یادشده از سوی افراد مربوطه واجد جنبه کیفری است.

در نهایت، شایان ذکر است که در کشور ایران نیز ضرورت گسترش اقدامات حمایتی مرتبط با خانواده کودکان در معرض خطر احساس شده، شایسته است تا جهت کمک به کاهش احتمال بزهکاری اطفال و نوجوانان در آینده، علاوه بر اقداماتی نظیر پیش‌بینی ارائه خدمات مشاوره‌ای یا سایر خدمات حمایتی به والدین یا سرپرست کودک در مواد قانونی (چه در صورت ارتکاب جرم و چه به منظور مراقبت و حمایت بیشتر از تمامی کودکان در معرض خطر)، ابهامات موجود در ماده ۸۸ نیز نظیر مدت زمان اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی و یا ضمانت اجرای ناظر بر سرپیچی سرپرست از دستورات دادگاه در چارچوب بحث‌های

ارائه شده مورد بازبینی قرار گیرند. همچنین، ضرورت دارد تا تدابیری در راستای افزایش امکانات انسانی و مالی در این حوزه صورت پذیرد تا بتوان قوانین حمایتی حال و آینده را به نحو مؤثرتر و مفیدتری در برابر اطفال، نوجوانان و سرپرستان آنان اعمال نمود.

References

A) Books

1. Ardebili, Mohammadali (2018). General Criminal Law. Tehran: Mizan ([In Persian](#)).
2. Arthur, R.(2009). Parental Responsibility for Youth Offending. In Reforming juvenile justice. edited by Junger-Tas, J & F. Dünkel. Dordrecht: Springer.69-84.
3. Buck, T. (2014). International child law. Routledge.
4. Burman, M et al., (2006). The End of an Era? – Youth Justice in Scotland. In: International handbook of juvenile justice. edited by Junger-Tas, J., & Decker, S. H. Springer International Publishing. 439-472.
5. Delmas-Marty, Mireille (2019). Large systems of criminal politics. Translated by Ali Hossein Najafi Abrandabadi. Tehran: Mizan ([In Persian](#)).
6. Emami, Asadollah & Safaei, Hossein. (2017). A Concise of Family Law. Tehran: Mizan ([In Persian](#)).
7. Katouzian, Naser (2022). Family Law. Tehran: Ganj-e-Danesh ([In Persian](#)).
8. McAra, L. (2006). Welfare in Crisis? Key Developments in Scottish Youth Justice. In Comparative youth justice. edited by Muncie, J., & Goldson, B. Sage. 127-145.
9. McAra, L. & McVie, S. (2014). The Scottish Juvenile Justice System: Policy and Practice. In Juvenile justice: International perspectives, models and trends. edited by Winterdyk, J.A. CRC Press. 263-294.
10. Muncie, J. (2004). Youth and Crime, 2nd edition. London: Sage.
11. Muncie, J., & McLaughlin, E. (2001). The Sage dictionary of criminology. Sage.
12. Niazpour, Amirhassan (2017). Juvenile Penal Law. Tehran: Mizan ([In Persian](#)).
13. Tobin, J & Seow, F. (2019). The Rights to Birth Registration, a Name, Nationality, and to Know and Be Cared for by Parents. In The UN convention on the rights of the child: A commentary. edited by Tobin, J. OUP Oxford. 237-280.
14. Whyte, B.(2007). Youth Justice: Developments in Scotland for the Twenty-first Century. In Developments in Social Work with Offenders. edited by Raynor, P, & McIvor, G. Jessica Kingsley Publishers.40-61.
15. Winterdyk, J.A.(2014). Introduction: Juvenile Justice in the International Arena. In Juvenile justice: International perspectives, models and trends. edited by Winterdyk, J.A. CRC Press. 1-24.

B) Articles

16. Asimi, Hamidreza & Yekrangi, Mohammad (2023). Comparison and Rethinking the Classification of Legal Systems in the Light of SocioCultural Commonalities and Differences. Comparative Law Review, 14 (1), 29-54, <https://doi.com/10.22059/jcl.2022.333486.634274> ([In Persian](#)).
17. Hollingsworth, K. (2007). Responsibility and rights: Children and their parents in the youth justice system. International Journal of Law, Policy and the Family, 21(2), 190-

219. <https://doi.org/10.1093/lawfam/ebm004>
18. Le Sage, L., & De Ruyter, D. (2008). Criminal parental responsibility: Blaming parents on the basis of their duty to control versus their duty to morally educate their children. *Educational Philosophy and Theory*, 40(6), 789-802. <https://doi.org/10.1111/j.1469-5812.2007.00370.x>
19. Moazemi, Shahla & Mahdavi, Mahmoud (2009). Disruption in the developmental function of the family and Juvenile Delinquency. *Women's Research Journal*, 1 (3), 85-111 <https://doi.com/10.22059/jcl.2022.333486.634274>
20. Niazpour, Amirhassan (2013). Criminological Analysis of Iranian Civil Code in Family Rules. *Journal of Family Resaerch*, 2 (9), 255-269 <https://doi.com/10.22059/jcl.2022.333486.634274>
21. Roshan, Mohammad & Hoseini, Ensieh (2013). The Role of Family in Responding to Juvenile Delinquents by Emphasizing the Islamic Criminal Code (2013). *Journal of Family Resaerch*, 4 (11), 471-490 <https://doi.com/10.22059/jcl.2022.333486.634274>
22. Walters, R., & Woodward, R. (2007). Punishing 'poor parents': 'Respect', 'responsibility' and parenting orders in Scotland. *Youth Justice*, 7(1), 5-20. <https://doi.org/10.1177/1473225406074818>

C) Website

23. Antisocial Behaviour etc. (Scotland) Act 2004: Guidance on Antisocial Behaviour Orders, Scottish Executive, Edinburgh, 2004. Available in: <https://www.gov.scot/publications/antisocial-behaviour-etc-scotland-act-2004-guidance-antisocial-behaviour-orders/>
24. <https://juvenilejusticecentre.org/resource-library/> /قوانین-و-مقررات-ملی-و-بین‌المللی
25. <https://www.legislation.gov.uk/asp/2004/8/contents>
26. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92374>